

صحنه در خانه عورت

www.ketab.ir

نویسنده:

محمد هادی مصلحی



صحنه‌گردان عاشورا

سرشناسه: مصلحی، محمدهادی، ۱۳۶۲ | عنوان و نام پدیدآور: صحنه‌گردان عاشورا / محمدهادی مصلحی؛ ویراستار حسن یعقوبی | مشخصات نشر: قم، انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۹ | مشخصات ظاهری: ۷۱۷ ص | فهرست نویسی: فیبا | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۷۷۸۸-۶ | یادداشت: کتابنامه | موضوع: عاشورا - فلسفه | موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق -- تأثیر | موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق -- فلسفه | رده بندی کنگره: ۱۵۰۰۳۲ | رده بندی دیویی: ۹۵۳۴/۲۸۷ | شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۶۷۷۶۷

صحنه‌گردان عاشورا | نویسنده: محمدهادی مصلحی | ویراستار: حسن یعقوبی | مدیر هنری: حسن کریمی | طراح نام‌واره: سینا رحمت‌نویس | تصویرسازی: محمد کریمی | صفحه‌ار: حسن محسنی | انتشارات: شهید کاظمی | نوبت چاپ: دوم | پست: ۱۴۰۰ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ تومان | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۷۷۸۸-۶

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱

شماره تماس: ۰۲۵_۳۷۸۴۰۸۴۴_۶

www.manvaketab.ir | سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱

@nashreshahidkazemi



باشگاه مخاطبان

پل ارتباطی با نویسنده و کانال این کتاب

در پیام رسان اینستا: @ashooora

فهرست

- آغاز سخن ۱۷
- پرده اول: ظرفیت های ماه محرم و مجالس عزای
اباعبدالله الحسین علیه السلام ۳۱
- ظرفیت های ماه محرم ۳۴
- محرم، ماه پیوند عاطفی بین ما و امام ۳۵
- محرم، ماه درس ایثار و فداکاری ۳۹
- محرم، ماه سرباز سازی قیام حضرت حجت ۴۰
- محرم، ماه تفکر ۴۶
- محرم، ماه توبه ۴۸
- محرم، ماه سرعت سیرو سلوک معنوی ۴۹
- محرم، ماه بهبود روابط اجتماعی ۵۱
- مهم ترین ظرفیت ماه محرم ۵۹
- پرده دوم: شبهاتی درباره حادثه عاشورا و مجالس عزای
اباعبدالله الحسین علیه السلام ۶۱
- شبهه شناسی نسبت به جریان عاشورا ۶۳

- ۶۷ شبهه اول: همراهی خانواده در موقعیت جنگی
- ۶۹ شبهه دوم: تندخویی و مدیریت بحران نابجا
- ۷۰ شبهه سوم: هزینه‌های بی جا در مجالس عزا
- ۷۱ شبهه چهارم: امام حسین علیه السلام، مسیح شیعیان
- ۷۵ شبهه پنجم: جشن و شادی، جایگزین عزا و غم
- ۷۶ شبهه ششم: هدف بودن عزاداری سیدالشهدا علیه السلام
- شبهه هفتم: عدم ترخم خداوند متعال به امام حسین علیه السلام و عائله ایشان ۸۰
- ۸۵ پرده سوم: نقش کمتر دیده شده
در حادثه عاشورا
- ۸۷ دو پرده مقدمه‌ای
- ۸۹ محور بحث
- ۹۰ نحوه قضا و قدر الهی علیه السلام
- ۹۳ نقش خداوند متعال در حادثه عاشورا
- ۹۷ قرآن کریم، منبع قابل اتکا در بحث قضا و قدر
- ۱۰۵ پرده چهارم: سرایشی ورشکستگی،
نقطه آغازین حرکت انسان‌ها
- تبیین سوره «عصر»، نردبان دستیابی به اوج معرفت در حادثه عاشورا ۱۰۷
- ۱۱۰ سوره «عصر» در یک نگاه
- ۱۱۲ تبیین گام به گام سوره مبارکه «عصر»
- ۱۳۱ پرده پنجم: یگانه مسیر فرار از
سرایشی ورشکستگی
- ۱۳۵ نسخه‌ای همه جانبه، راه فرار از ورشکستگی

- ۱۳۸ لزوم پرهیز از نگاه سهل انگارانه به مسیر فرار از ورشکستگی
- ۱۴۴ گام اول: عنصر ایمان
- ۱۴۵ محاسبات اشتباه در مقوله ایمان
- ۱۴۸ گستره دایره ایمان
- ۱۵۳ باور صحیح درباره «تفاوت سطح امکانات زندگی مؤمنان و کافران»
- ۱۶۶ باور صحیح نسبت به «تأثیر گناه در ایمان انسان»
- ۱۷۱ باور صحیح نسبت به «انسان»
- ۱۷۶ باور صحیح به «خداوند متعال»
- ۱۹۷ گام دوم: عنصر عمل صالح
- ۱۹۷ پذیرش عمل نادر پروردگار عالم
- ۱۹۸ گستره عمل نسبت به «اعمال درونی»
- ۲۰۱ گستره عمل نسبت به تمام شئون زندگی
- ۲۰۷ عمل، عرصه مشخص شدن نمره واقعی ایمان
- ۲۱۵ گام سوم و چهارم: تَوَاصُّوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُّوا بِالصَّبْرِ
- ۲۱۵ توصیه دوطرفی، معنای صحیح «تَوَاصُّوا»
- ۲۱۷ سفارش به حق و صبر
- ۲۱۹ ایجاد رابطه عاطفی شدید
- ۲۲۵ پرده ششم: شکست همگانی، سرانجام کوتاهی عده‌ای محدود (نگاه تاریخی به جنگ احد)
- ۲۳۳ نگاه تاریخ‌نویسان به حوادث جنگ احد
- ۲۳۳ عامل شکل‌گیری جنگ احد

آغاز سخن

من غم و مهر حسین با شیراز مادر گرفتم
روز اول که آمدم، دستور تا آخر گرفتم
برمشام جان زدم یک قطره از عطر حسین
سبقت از مُشک و گلاب و نافه و عنبر گرفتم

بسیاری از ما شیفتگان شمع پرفروغ و پرمهر و عطوفت حسین، از همان دوران کودکی، خود را در مجالس عزای سید و سالار شهیدان دیده‌ایم. در مجالس عزای خود را از شیر مادر و گونه‌های خود را از دانه‌های اشک او سیراب کردیم. در این مجالس به راه افتادیم، به سخن آمدیم و درس مهر و محبت را آموختیم. هنگام روضه‌ها در مقابل دیدگان پدر خود می‌ایستادیم و به خود می‌گفتیم: «چرا بابا گریه می‌کند؟! او که کوه صبر و استقامت و تکیه‌گاه خانه است! چرا این چنین زار می‌زند و شانه‌هایش تکان می‌خورد؟!» به آن طرف پرده می‌رفتیم تا از مادر، راز اشک‌های پدر را جويا شویم؛ اما می‌دیدیم اوضاع مادر بهتر از پدر نیست. بهت‌مان می‌زد. نمی‌دانستیم چه کنیم. چه برسر پدر و مادر

آمده که سیاه‌پوش شده‌اند و این چنین چون ابر بهار می‌بارند و بر سر و صورت خود می‌زنند.

تا اینکه کمی بزرگ‌تر شدیم و کنار بازی‌های کودکانه سعی کردیم خود را به گریه بزینیم. آدا درآوردیم، داد زدیم، همچون بزرگ‌ترها دست بر چشمانمان گذاشتیم و سر به زیر انداختیم تا بالاخره سنگینی بار برخی واژگان را درک کردیم: «عطش»، «تیرسه‌شعبه»، «اربابا اربا»، «داغ»، «حرملمه»، «حرامی» و... این بار بود که ما هم چون پدر و مادر در عزای مولا دیده‌گریان ساختیم.

به دوران نوجوانی رسیدیم و به دنبال دوست داشتن و روابط گرم عاطفی می‌گشتیم. به دنبال دیدن و دیده شدن بودیم. چه جایی بهتر از دستگاه امام حسین (ع)! همه چیز دارد. مجلس عزاست. چای ریز می‌خواهد، جاروکش می‌خواهد، آشپز می‌خواهد، کفش جفت‌کن، زیارت‌خوان، مداح، گوینده، شنونده، بانوی، طبال، زنجیرزن، سینه‌زن، میان‌دار، گریه‌کن، خلاصه، همه چیز می‌خواهد. در این دستگاه برای همه با هر سلیقه‌ای جا هست. هیچ کمبودی ندارد.

پس از آنکه این شور وصف‌ناپذیر، ما را به خود مشغول کرده بود، وارد دوران جوانی شدیم. اما در جوانی که دوران حضور پررنگ در اجتماع و قرار گرفتن در چرخه حوادث تلخ و شیرین زندگی و دوران شروع نگاه‌های واقع‌بینانه به مسیر پیش روی انسان است، دیگر ذهن ما آن ذهن دوران کودکی و نوجوانی نبود. دیگر به راحتی پای هر سخنی را امضا نمی‌کرد. ذهن پرسشگر ما به دنبال حقیقت همه چیز بود. به دنبال ریشه‌های حوادث و تحلیل‌های ژرف و عمیق می‌گشت. اینجا بود که در کنار تمام شنیده‌های خود، یک «چرا؟» گذاشتیم.